

بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی

پوهنیار حبیب الله پویا^۱، پوهنیار نصرالله نصرت^۲، پوهنیار محمدصادق میرزایی^۳ و نامزد پوهنیار سکندر مهدوی^۴

^{۱،۲،۳،۴} دپارتمنت آگرونومی، پوهنځی زراعت، مؤسسه تحصیلات عالی دایکندی، دایکندی، افغانستان

ایمیل: h.poya18@gmail.com

چکیده

هدف اساسی تحقیق، بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان است. روش تحقیق، توصیفی و به شیوه تحلیل اسنادی انجام شده است. عمده ترین یافته های تحقیق عبارت است از: فعالیت اکثر پوهنتون های افغانستان به اساس روش های کهنه و سنتی استوار بوده و اکثراً پوهنتون ها نمی توانند به قدر کافی افراد حرفه ای و مسلکی را برای جامعه تقدیم کنند. پوهنتون ها نباید مکانی باشد که تحصیل کرده های آن؛ غیرحرفه ای و ناکارآمد باشد، بلکه باید حرفه ای باشد که نیروی انسانی خلاق، کارآفرین و مبتکر را تربیت نماید. از این رو، ضروری است که سرعت رشد کمی در نظام تحصیلات عالی و مؤسسات تحصیلی کشور متوقف شده و اقدامات اساسی در جهت عمق بخشی و توسعه کیفی در آن ها صورت گیرد.

اصطلاحات کلیدی: نظام تحصیلات عالی؛ توسعه کیفی؛ توسعه کمی؛ مشکلات؛ راهکارها

Assessing Quality Development Challenges and Solutions in Higher Education

Habibullah Pouya¹, Nasrullah Nasrat², Mohammad Sadiq Merzai³ and Sikander Mahdawy⁴

^{1,2,3,4} Department of Agronomy, Agriculture Faculty of Daikundi Higher Education Institute

Email: h.poya18@gmail.com

Abstract

The primary objective of this research is to assess the challenges and propose solutions for enhancing the quality of higher education in Afghanistan. Employing a descriptive research method through document analysis, the study reveals that many universities in Afghanistan rely on conventional teaching methods and struggle to provide skilled professionals to society. It emphasizes the need for universities to nurture creative, entrepreneurial, and innovative individuals. Consequently, addressing the issue of rapid quantitative expansion in the higher education system is crucial, and efforts should be redirected towards ensuring quality development.

Keywords: Higher Education System; Quality Development; Quantity Development; Problems; Solutions

مقدمه

تحصیلات عالی به‌عنوان نظام پویا دارای دو بُعد کمی و کیفی بوده و رشد موزون، متناسب و متعادل این نظام، مستلزم رشد هر دو بُعد به موازات یکدیگر است. رشد و گسترش کمی تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت، به مسایلی هم‌چون: ترك تحصیل، بی‌سوادی، ضعف تحصیلی، مردودی، وابستگی علمی، عرضه نیروی انسانی متخصص مأزاد، عدم فرصت مناسب جهت خلاقیت و شکوفایی و غیره منجر می‌شود. بهبود کیفیت آن نیز، بدون در نظر گرفتن کمیت، به محرومیت انسان‌ها از حق تحصیلات و افزایش تبعیضات اجتماعی منتهی می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۳).

در گذشته نظام تحصیلات عالی در اغلب نقاط جهان به‌وسیله سرآمدان هر کشور ایجاد می‌شد و نهادهایی به‌منظور پرورش آنان بود. به این ترتیب؛ روال‌ها، دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی متناسب با این هدف، تنظیم و اجرا می‌شدند. افزایش جمعیت و سایر عوامل، موجب افزایش تقاضا برای تحصیلات عالی گردید. جمعیت محصلان، چندین برابر در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی افزایش یافته، ترکیب اجتماعی آنان متفاوت گردید و در نیازهای جمعیت محصلان تغییراتی پدید آمد. طوری‌که تحصیلات عالی ضرور دانسته است که نیازها و تحولات مذکور را مدنظر قرار داده و تعدیل لازم را در برنامه‌های خود اعمال کند (بازرگان، ۱۳۸۱). براین اساس؛ امروزه نظام تحصیلات عالی به‌واسطه تشدید تقاضاگرایی، رشد مشتری‌گرایی، ضرورت تعامل با جامعه جهانی، نیازهای بازار کار و تناسب با آن نیازهای متحول و نوپدید به‌علاوه ضرورت تنوع بخشیدن به منابع مالی خود با مسأله کیفیت بیش از پیش دست به گریبان هستند. اعضای هیئت علمی و محصلان در داخل پوهنتون و هم‌تایان علمی و حرفه‌ای آنان در دنیای دانش با توجه به جهانی شدن نظام تحصیلات عالی، بهبود مداوم و ارتقاء کیفیت افهام و تفهیم، تحقیقات علمی و فرایندهای نظام تحصیلات عالی پوهنتون‌ها را انتظار دارند، به عبارت دیگر، هم‌ذی‌نفعان خارجی و هم‌ذی‌نفعان داخلی، در مطالبه کیفیت و ضرورت بهبود و ارتقای مداوم آن با یکدیگر هم صدا شده‌اند (Chea, 2003).

در این تحقیق (بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی) سه سؤال زیر طرح و مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی چیست؟
۲. مشکلات توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور چه می‌باشند؟
۳. راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور کدام‌ها هستند؟

روش تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی بوده و تحقیق به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است.

تحلیل یافته‌های تحقیق

در این جا به نتایج بررسی سؤال‌های تحقیق، پرداخته شده است:

بررسی سؤال اول تحقیق

اولین سؤال تحقیق عبارت بود از این‌که؛ مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی چیست؟ کیفیت در تحصیلات عالی مفهومی بسیار بحث برانگیز بوده و اغلب توسط ذی‌نفعان به‌منظور مشروعیت بخشیدن به دیدگاه‌ها و علایق خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو دلیل عمده برای دشواری تعریف کیفیت در تحصیلات عالی وجود دارد. در خصوص دلیل اول باید اذعان نمود؛ علی‌رغم این‌که پرورش نیروی انسانی ماهر، آموزش افراد برای حرفه تحقیق، تربیت مدیران کارآمد و تقویت حس آینده‌نگری افراد از جمله اهداف تحصیلات عالی است؛ ولی اتفاق نظری در خصوص اهداف دقیق آن وجود ندارد و دلیل دیگر این‌که؛ تحصیلات عالی مانند انواع دیگر آموزش، فرایندی پیچیده و چند بُعدی است که مبتنی بر ارتباط متقابل بین اعضای هیئت علمی و محصلان بوده و فهم آن امری مشکل است. هم‌چنان تحصیلات عالی توسعه‌یافته‌تر و محصلان ناهم‌گون‌تر می‌شوند، تقاضا برای ورود به مؤسسات تحصیلات عالی و ارائه دوره‌های تحصیلی جدید نیز افزایش می‌یابد. بنابراین ممکن است آن‌چه برای تعریف کیفیت یک مؤسسه تحصیلات عالی یا دوره تحصیلی مناسب باشد، برای سایر مؤسسات و دوره‌های دیگر، نامناسب تلقی شود (مارتین و استیلا، ۱۳۸۸).

شبکه بین‌المللی نهادهای تضمین کیفیت در تحصیلات عالی، در تعریف کیفیت، تطابق با استانداردهای از قبل تعیین‌شده و نیل به اهداف تعیین‌شده را مبنا قرار داده است (Graft, 1995). سنجش کیفیت در تحصیلات عالی، مستلزم آن است که قضاوت بر پایه مجموعه‌ای از استانداردهای از قبل تعیین‌شده صورت گیرد. وقتی چنین استانداردهای مشخص وجود نداشته باشد، کیفیت به‌وسیله میزان تحقق اهداف تصریح شده، ذی‌نفعان و ذی‌ربط‌های آموزشی، سنجیده می‌شود. مسئولان پوهنتون، مدیران گروه‌های آموزشی، محصلان، قانون‌گذاران تحصیلات عالی و اعضای هیئت علمی خود قضاوت می‌کنند که آموزش، تحقیق و خدمات نظام مورد نظر تا چه اندازه با معیارها و اهداف تصریح شده هم‌خوانی دارد (McGinn and Borden, 1995).

بازرگان (۱۹۹۸)، با در نظر گرفتن الگوی عناصر سازمانی؛ فرایندها، پیامدها و ارزش افزوده، کیفیت تحصیلات عالی را تعریف نموده است. از نظر وی کیفیت تحصیلات عالی، تطابق درون دادها، فرایندها، محصولات، بیرون دادها و پیامدهای این نظام با استانداردهای است که به منظور بهبود فعالیت های تحصیلات عالی و با توجه به رسالت ها، اهداف و انتظارات تحصیلات عالی تعریف و تدوین شده است. یونسکو (۲۰۰۲)، معتقد است؛ کیفیت در تحصیلات عالی، مفهومی چندبعدی است که باید تمام کارکردها و فعالیت ها از جمله؛ آموزش، تحقیق، کارکنان، محصلان، امکانات و تجهیزات، خدمات به اқشار جامعه و پوهنتون را در بر گیرد و آنرا به میزان زیادی به وضعیت محیطی نظام پوهنتون، مأموریت یا شرایط و استانداردها در رشته های پوهنتون بستگی دارد.

مارتین و استیلا (۱۳۸۸)، کیفیت در تحصیلات عالی را به دو مفهوم (استاندارد محور) در مقابل (تناسب با هدف) تعریف و تشریح نموده اند. براساس مفهوم اول شناسایی و کمی کردن جوانب خاصی از تحصیلات عالی امکان پذیر بوده و استانداردها یا ملاک های یک سان را می توان برای همه مؤسسات یا دوره های تحصیلات عالی مورد استفاده قرار داد. این مفهوم عمدتاً بر این دیدگاه استوار است که با عنایت به اهداف کاملاً مشخص پوهنتون ها (استانداردهای طلایی) وجود دارد که در همه حال باید حفظ شود. مفهوم دوم کیفیت بر این فرض استوار است که پوهنتون ها مأموریت و اهداف متفاوتی دارند. گرچه ممکن است هدف اغلب آن ها انجام تحقیقات وسیع علمی باشد؛ بعضی از آن ها به تدریس رو آورده و بعضی دیگر به ارائه تحصیلات عالی برای اقلیت های قومی و غیره می پردازند.

در مجموع باید اذعان نمود؛ در گذشته مفهوم اصلی کیفیت در تحصیلات عالی عمدتاً مبتنی بر انطباق دست آوردها با برخی از معیارهای ملی و بین المللی، بهبود سطوح آموزش / یادگیری و حفظ آن و نحوه ای تأمین بودجه و سایر منابع به منظور تحقق کیفیت تحصیلات عالی بوده است؛ ولی بحث کیفیت در رویکردهای جدید، اصولاً به تحقیق کیفیت برون دادها، ایجاد فرایندهای مطلوب مدیریت، به منظور نظارت بر موقعیت و میزان تحقق اهداف و مقاصد، ارزیابی نسبت فارغ التحصیلان به بازار کار و مشاغل موجود و نیز فراهم کردن اطلاعات لازم برای افراد ذی نفع به منظور اطمینان بخشی آن ها از کیفیت و اعتبار برون دادها معطوف است (Harman and Meek, 2000).

بررسی سؤال دوم تحقیق

سؤال دوم تحقیق عبارت بود از این که؛ مشکلات توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی چیست؟

نتایج تحقیقات و بررسی های انجام شده، نشان می دهد که نظام تحصیلات عالی از نظر کیفی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار ندارد و نتایج مطالعات در خصوص اثربخشی این دوره ها حاکی از فقر کیفیت

و پائین بودن میزان مطلوبیت این دوره‌ها است و هنوز پس از گذشت چند دهه، چارچوب ادراکی معینی برای ارزیابی کیفیت در نظام تحصیلات عالی وجود ندارد. اگرچه اقداماتی در سطح ارزیابی داخلی در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی انجام می‌شود، ولی به دلایل زیادی این ارزش‌یابی‌ها برای دستیابی به سطح مطلوب و قانع‌کننده‌ای از کیفیت نبوده است و کافی هم نیستند. در این زمینه می‌توان به تجربیات علمای ذیل اشاره نمود:

بهرامی (۱۹۹۵)، «ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود در فرایندهای یاددهی و یادگیری و نیز فعالیت‌های تحقیقی پوهنتون‌های کشور نشان از فقدان سازوکارهای مناسب برای توسعه کیفی تحصیلات عالی است». خلیجی (۱۳۷۶)، «ضعف بنیه‌ای ورودی‌ها به دلیل غلبه‌ی یک‌جانبه پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی، عدم تناسب خروجی‌ها با تقاضای بازار کار و نیازهای متحول و متنوع جامعه، مدرک‌گرایی و فقدان بهره‌وری از منابع محدود عمومی در تحصیلات عالی». وزیری (۱۳۷۸)، «نظام تحصیلات عالی نوین در دوران مختلف از فرازاها و فرودهای مختلف عبور نموده است و با تشدید رشد کمی در جمعیت محصلان، آشکارا به‌سوی تمرکزگرایی مفرط سیر نموده است که نتیجه آن کاهش شاخص‌های کیفی مراکز تحصیلات عالی بوده است». مختاریان و محمدی (۱۳۸۷)، «عدم ایجاد ساختار ارزش‌یابی، فقدان بستر و فرهنگ خود ارزش‌یابی، فقدان وجود استانداردهای ارزش‌یابی کیفیت، عدم وجود پایگاه اطلاعاتی مناسب و به‌روز در اکثر پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و نیز فقدان وجود تمهیدات اشاعه و کاربرست یافته‌ها، از عمده‌ترین مشکلاتی فراروی نظام ارزش‌یابی تحصیلات عالی است» و بازرگان و اسحاقی (۱۳۸۷)، «در دهه‌های اخیر نسبت جمعیت محصلان به افراد گروه سنی ۱۸ الی ۲۴ سال از ۵ فیصد به بیش از ۲۰ فیصد افزایش یافته است، ولی نسبت افزایش سایر عوامل نظام تحصیلات عالی از جمله؛ هیئت علمی، فضای آموزشی و غیره با رشد جمعیت محصلان همراه نبوده است». در این راستا؛ محتوای رشته‌های تخصصی پوهنتون‌ها، حاکی از ضعف نظام تحصیلات عالی در همراهی نظام‌دار و هم‌افزا با توسعه روزآمد است. ارزیابی برنامه‌های توسعه تحصیلات عالی نیز بیان‌گر این واقعیت است که اهداف عمده برنامه‌های مذکور به‌ویژه در برنامه توسعه سوم نیز نظیر؛ ایجاد هماهنگی بیش‌تر بین توسعه نظام تحصیلات عالی و توسعه ملی، تنوع‌بخشی به نظام تحصیلات عالی، بازنگری برنامه‌های درسی، توسعه دانش سازمان‌یافته، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، رشد استعدادها درخشان، گسترش دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی، بهبود نظام‌های ارزش‌یابی، متعادل نمودن تدریس و تحقیق در مؤسسات تحصیلات عالی، متنوع ساختن منابع مالی مؤسسات و افزایش بودجه تحقیقی، حمایت از ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های محصلان در زمینه‌های علمی و فرهنگی، توسعه تحصیلات

عالی و دوره‌های علمی و کاربردی، توسعه آموزش مجازی و غیره محقق نه‌شده است (عزیزی، ۱۳۸۵). به‌علاوه؛ عدم لحاظ ضوابط مشخص و قابل قبولی برای ورود به پوهنتون و عدم رعایت استانداردهای علمی در پذیرش محصلان که در ترکیب ناهماهنگ محصلان پدید می‌یابد و عدم اعمال معیارهای مطلوب علمی و ضوابط تدریس و تحقیق سبب تنزل سطح کیفیت آموزش گردیده است (کدیور، ۱۳۸۲).

اشتغالات بیش از حد اعضای هیئت علمی (تدریس یا مشاغل دیگر)، آنان را از مطالعه و به‌روز بودن علمی دور ساخته و به فرهنگ علمی پوهنتون‌ها آسیب رسانده است. هم‌چنین، باید خاطر نشان کرد که سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و خدماتی (به‌طور کلی ماهیت مشاغل در شرایط حاضر) از یک سوء تغییرپذیری بسیار کم‌محتوا و سر فصل‌های دروس پوهنتون از سوی دیگر زمینه ضعف کیفیت فعالیت‌های علمی و مهارتی را در محصلان نظام تحصیلات عالی، تشدید نموده است (عزیزی، ۱۳۸۳).

تنزل کیفیت دوره‌های تحصیلی نیز، مشکل اساسی پیش‌روی نظام تحصیلات عالی است. در بین دوره‌های مختلف تحصیلات عالی، تحصیلات عالی دارای نقش و منزلتی والا است؛ زیرا وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص در عرصه‌های آموزش، تحقیق و خدمات را برعهده دارد. در سال‌های اخیر رشد کمی تحصیلات عالی، رشد روزافزونی داشته است و اکنون توسعه کیفی آن مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان نظام تحصیلات عالی است (نیلی و همکاران، ۲۰۰۵). گسترش کمی در مقاطع مختلف تحصیلی بدون توجه به توسعه کیفی، ضررهای جبران‌ناپذیری بر دانش وارد می‌کند و سطح کیفی و تخصصی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهد. هم‌اکنون استانداردهای کیفی تحصیلات در پوهنتون‌های کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارد. لذا؛ به نظر می‌رسد جذب محصل در مقطع ماستری در مراکز تحصیلات (پوهنتون‌های مانند پوهنتون کابل، پوهنتون ننگرهار، پوهنتون کندهار و غیره)، نیازمند توقف رشد کمی و توجه به رشد کیفی و عمق علمی است. این درحالی است که در مقطع دکترا، به هر دو بُعد رشد کمی و کیفی نیاز بوده. زیرا؛ در این مقطع نه رشد کمی چندان صورت گرفته و نه از سطح کیفی قابل قبولی برخوردار است.

بیکاری فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌های کشور عزیز ما افغانستان نیز از جمله مسایل اصلی فراروی نظام تحصیلات عالی کشور است. امروزه به لحاظ کمی جامعه اشباع شده و با تعداد زیادی بیکار مدرک به‌دست رو به رو است، درحالی‌که به شدت به نیروهای کیفی و کاردان نیاز دارد؛ ولی فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها فقط مدرک در دست دارند و از تخصص و کارایی کافی برخوردار نیستند. افزایش چشم‌گیر

پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و ایجاد عطش کاذب گرایش به مدرک و تحصیلات عالی بدون توجه به کیفیت و کارایی، صدمه جدی بر پیکره نظام تحصیلات عالی کشور وارد می‌کند. مشکل مهم دیگر، پیش‌روی نظام تحصیلات عالی در تحقق تضمین کیفیت، مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها است. پدیده مذکور از زمان گذشته در کشور وجود داشته و در این اواخر این روند شتاب فراوانی گرفته است. بسیاری از نخبگان کشور عزیز ما افغانستان و صاحبان رتبه‌های علمی برتر جذب کشورهای توسعه‌یافته شده‌اند.

مشکلات مذکور پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور را برای رسیدن به اهداف و مأموریت‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی خود با محدودیت‌ها و مشکلات مواجه می‌کند. علاوه بر این؛ عدم استقلال پوهنتون‌ها سبب شده دست نظام تحصیلات عالی و پوهنتون‌های کشور را در یافتن راه‌های کارا تر و مناسب‌تر برای خروج از مسایل و مشکلات موجود ببندد. برای حل این مشکلات، اتخاذ راهکارها و سیاست‌هایی در سطح کلان لازم است تا بتوان از یک‌سو، حجم عظیم فارغ‌التحصیلان نظام تحصیلات عالی را جذب بازار کرد و از سوی دیگر، علاوه بر تأمین مالی می‌توان برای افزایش کیفیت دانش‌آموزان، نظام تحصیلات عالی را اصلاح و آن را کارآمدتر کرده و بر کیفیت آن افزود.

بررسی سؤال سوم تحقیق

سؤال سوم تحقیق عبارت بود از این‌که؛ راهکارهای توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی چیست؟

۱. استقلال‌دهی بیش‌تر به پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور زمینه افزایش آزادی علمی، نوآوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی آن‌ها را فراهم خواهد نمود. در پوهنتون‌های مستقل، موضوعات تخصصی به اعضای هیئت علمی واگذار می‌شود که از بالاترین صلاحیت، اجرا و ارائه طرح‌های تحقیقاتی، پذیرش محصل، انتصاب و ارتقای هیئت علمی، تدوین ضوابط اخذ مدرک تحصیلی، تخصیص منابع برای انجام امور علمی و انتخاب مدیران گروه‌های آموزشی برخوردارند. بدیهی است اگر پوهنتون‌ها و اعضای هیئت علمی در اجرای مسئولیت‌های مذکور از استقلال بیش‌تری برخوردار باشند، کیفیت و مسئولیت‌پذیری مؤسسات تحصیلی، اعضای هیئت علمی، مدیران، محصلان و سایر ذی‌نفعان تحصیلات عالی افزایش خواهد یافت و در پرتو این استقلال، مسئولیت‌پذیری و ایجاد تعهد در میان آن‌ها، مؤسسات تحصیلی می‌توانند به‌سوی توسعه کیفی سوق یابند (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳).

۲. هیئت‌های امانا در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در صورتی‌که اختیارات لازم را داشته باشند؛ می‌توانند به این مؤسسات هویت ویژه بخشند و زمینه‌های استقلال بیش‌تر آن‌ها را فراهم

ساخته و در نتیجه سلسله مراتب اداری، کاستی و تنگ نظری‌های حاکم بر نظام اداری پوهنتون‌ها را کاهش دهند (اجتهادی، ۱۳۷۸). هم‌چنین؛ هیئت‌های امنا می‌توانند امور مربوط به فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی را تسهیل و تسریع کنند و مؤسسات تحصیلات عالی را برای رسیدن به خودکفایی در کشور آماده سازند؛ زیرا با تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوطه می‌توانند اندیشه‌های نو را به مرحله عمل برسانند و پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلی و تحقیقی را برای رویارویی با مشکلات به‌منظور تولید دانش، نظریات و تحلیل‌های جدید و تحقیق‌های بنیادی و کاربردی آماده کنند (بنی سی، ۱۳۸۶). به‌علاوه؛ با تدوین آیین‌نامه‌ها، پایه اولیه ارزیابی را در پوهنتون بر ارزیابی کیفی قرار دهند. بنابراین ضروری است که وزارت تحصیلات عالی، تحقیقات و فن‌آوری به مسأله تدوین شاخص‌های هیئت امنا توجه ویژه‌ای نمایند و با تشکیل کمیته‌های تخصصی زمینه‌های افزایش اطمینان از کیفیت انجام فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی در هیئت امنای پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی فراهم نمایند.

۳. الگوی اعتبارسنجی تحصیلات عالی با همکاری و تعامل شبکه از کلیه ذی‌نفعان هم‌چون؛ پوهنتون‌ها، انجمن‌های علمی، نهادهای غیردولتی، دولت، بازار کار و غیره الگوی مناسب‌تری برای دوره‌گذار تحصیلات عالی کشور به کیفیت جهانی است. ارزیابی داخلی در دیپارتمنت‌های پوهنتون‌ها و به‌صورت درون‌زا با مشارکت اعضای هیئت علمی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی و به دور از شائبه صوری و فرمایشی بودن، پایه اصلی توسعه کیفیت در تحصیلات عالی است و این امر مستلزم به رسمیت شناختن استقلال پوهنتون‌ها، آزادی علمی، ابتکار عمل داخلی پوهنتون‌ها، سازوکارهای انگیزشی کافی برای آن و ترتیب اثر دادن به یافته‌ها و نتایج آن است.

۴. برقراری ارتباطات بین‌المللی در نظام تحصیلات عالی، نقش مهمی در توسعه کیفی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. از جمله فنون مؤثر جهت ارتباطات بین‌المللی در تحصیلات عالی، اعزام محصلان به خارج است. تجارب تحصیل در کشورهای پیشرفته در افزایش کیفیت نظام‌های تحصیلات عالی تأثیر به‌سزایی دارند و فارغ‌التحصیلان خارج از کشور در اداره امور علمی کشور خود نقش مهمی ایفا می‌کنند. اعزام محصلان به خارج از کشور به‌ویژه در دوره‌های تحصیلات عالی به‌عنوان راهبردی برای ارتقای نیروی انسانی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشورها است. حتی کشورهای پیشرفته جهان نیز خود را بی‌نیاز از اعزام محصل به خارج از کشور نمی‌دانند و اعزام محصل به خارج از کشور را جزء اولویت‌های خاص خود قرار داده‌اند. با توجه به سیاست تمرکززدایی در تحصیلات عالی کشور و تلاش به‌منظور اعطای استقلال

بیش‌تر به پوهنتون‌ها شایسته است که اعزام محصلان به خارج از کشور توسط مراکز تحصیلات عالی انجام شود. سیاست مذکور، زمانی با موفقیت و اثربخشی همراه خواهد بود که با حمایت‌های دولت همراه باشد.

۵. توجه به جایگاه نخبگان و اتخاذ سیاست‌های در راستای ایجاد و توسعه شبکه‌های از نخبگان و استعداددهای برتر خارج از کشور به‌منظور استفاده هرچه بیش‌تر از توان و ظرفیت آن‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت در نظام تحصیلات عالی کشور کمک نماید. در چارچوب این شبکه‌ها انواع همکاری‌های پاره وقت بین متخصصان افغانی مقیم خارج و پوهنتون‌ها و مراکز علمی و فنی داخلی، امکان‌پذیر می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت از طرف اساتید افغانی خارج از کشور، برگذاری کارگاه‌های آموزشی و تحقیقی، سمینارهای تخصصی و فنی، ایجاد هماهنگی برای استفاده از دوره‌های آموزشی خارج از کشور برای محققان داخلی، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی با همکاری نخبگان و متخصصان افغانی خارج از کشور و محققان داخلی و غیره اشاره نمود.

۶. آموزش‌ها در نظام تحصیلات عالی متناسب با نیازهای جامعه و منطبق با اهداف ملی برنامه‌ریزی شود تا علاوه بر ایجاد رغبت و انگیزه در فراگیران، آموزش و تدریس برای استاد، فراگیر و یادگیری پایدارتر و عمیق‌تر فراهم شود. در زمینه انتخاب محصلان و اعضای هیئت علمی، صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، دانایی‌ها و توانایی‌های لازم با توجه به فلسفه مسلط اجتماعی در نظر گرفته شده تا ساختار وجودی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی متناسب با سیستم ارزشی جامعه شکل گیرد و از حمایت‌های اجتماعی لازم برخوردار گردد (سبحانی نژاد و افشار، ۱۳۸۷).

۷. دیدگاه‌های محصلان از منابع مورد اعتبار در ارزشیابی کیفیت یاددهی-یادگیری در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به‌شمار رود. ارزشیابی محصلان از صنف درسی، استاد می‌تواند به نوبه‌ای خود به تضمین و ارتقای کیفیت در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کمک نماید؛ اما این کار مستلزم آن است که رویه‌های اجرایی، شیوه‌ها، ابزارها و محتویات آن اصلاح شود و تحلیل و تعقیب نتایج آن با اصول و هنجارهای علمی و مدیریتی پوهنتون‌ها منطبق باشد. از این‌رو، ضروری است که ارزشیابی مذکور و اعمال نتایج آن در برنامه‌های آتی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور لحاظ شود (فراستخواه، ۱۳۸۸).

۸. دولت با کاهش تمرکز در تحصیلات عالی امکان مشارکت گسترده مردم و سرمایه‌گذاری بیش‌تر بخش خصوصی در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی را فراهم نماید. هم‌چنین؛ زمینه‌ها و

تسهیلات لازم را برای سرمایه‌گذاری مراکز تحصیلات عالی بین‌المللی را در نظام تحصیلات عالی را میسر سازد. این امر با به‌وجود آوردن فضای رقابتی بین پوهنتون‌های بخش دولتی و خصوصی و مؤسسات بین‌المللی تحصیلات عالی، زمینه را برای افزایش کیفیت آموزشی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی فراهم می‌کند.

۹. نظام تحصیلات عالی با فراهم کردن تسهیلات لازم، امکان انجام بیش‌تر پروژه‌ها و برنامه‌های علمی، تحقیقاتی مختلف را در رشته‌های مختلف پوهنتون‌ها به‌صورت مشترک با پوهنتون‌های سایر کشورها را به‌وجود آورند. یقیناً تجربه حاصل از این پروژه‌ها و برنامه‌های مشترک و انتقال این تجارب به مؤسسات تحصیلی داخلی و ارائه آن‌ها در صنف‌های درسی پوهنتون‌ها و کاربرد آن‌ها در تحقیقات نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزشی و تحقیقی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دارد (شهیدی و همکاران، ۱۳۸۵).
۱۰. فضای فیزیکی یکی از عوامل اثرگذار بر عملکرد کیفی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به‌ویژه در فضای کنونی حاکم بر جهان است. ساختمان‌های قدیمی، نبود امکانات آموزشی مانند صنف، کتابخانه، تأسیسات رفاهی، بناهای نه‌چندان مناسب و تراکم پوهنتون‌ها در فضای محدود به‌همراه انواع تراکم‌ها و آلودگی‌های مختلف، فضاهای فیزیکی مناسب با جو علمی و پوهنتون‌ها را از محصلان سلب می‌کند. بنابراین سرمایه‌گذاری دولت در طرح‌های عمرانی و توسعه فضاهای فیزیکی و زیربنایی مراکز تحصیلات عالی جهت بهبود و ارتقای کیفیت، ضرورت انکارناپذیر است (آراسته و همکاران، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

با درنظرداشت یافته‌های تحقیق فوق، نظام تحصیلات عالی کشور تا هنوز به شدت با مسأله فقر و کاهش کیفیت دست به‌گریبان است، اگر در صورتی که کیفیت تحصیلات عالی مطلوب نباشد، آینده‌ی علمی و فنی و به عبارتی توسعه نسبتاً پایدار کشور با مشکلات و بحران‌های عظیم مواجه خواهد شد. کیفیت پائین تحصیلات عالی، منجر به فقر نیروی انسانی متخصص و ماهر شده و در نتیجه اهداف برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد نمود.

لذا؛ این مسأله جایگاه پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور را زیر سؤال می‌برد؛ چرا که نقش اساسی آن‌ها، همانا اتخاذ استراتژی‌های سنجیده برای توسعه و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر به‌منظور رشد و توسعه پایدار کشور است. در مجموع و با عنایت به مسایل داخلی و خارجی فراروی نظام تحصیلات عالی کشور عزیز ما افغانستان باید اذعان نمود. مسأله کاهش کیفیت و لزوم توجه به آن پیامدهای ناگواری به‌وجود خواهد آورد. لذا؛ توسعه کیفی در نظام تحصیلات عالی کشور از ضرورت اساسی برخوردار است. بدیهی است اصلاح و بهبود کیفیت نظام تحصیلی مستلزم بازاندیشی و بازسازی در ساختارها، کارکردها و برنامه‌های تحصیلات عالی است.

منابع

- اجتهادی، م. (۱۳۸۷). اختیارات مدیران پوهنتون‌ها در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- آراسته، حمیدرضا؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا. (۱۳۸۷). وضعیت پوهنتون‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه محصلان، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۱). ارزش‌یابی آموزشی (مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی)، تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، عباس؛ اسحاقی، اسحاقی، فاخته (۱۳۸۷). تحلیل فرایند هدف‌گذاری در ارزیابی درونی کیفیت گروه‌های آموزشی پوهنتونی: مطالعه موردی، فصل‌نامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، پوهنتون فردوسی مشهد، شماره ۹ (۱)، صص ۵۷-۷۲.
- بنی سی، پرنیزا. (۱۳۸۶). جایگاه هیئت امانا در نظام آموزش عالی کشور، فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره دوم.
- خلیجی، محسن. (۱۳۷۶). نگاهی به نظام آموزش عالی ایران: گذشته، حال، آینده، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: انتشارات پوهنتون علامه طباطبایی.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ افشار، عبدالله. (۱۳۸۷). تبیین ماهیت و مؤلفه‌های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی به‌منظور شناخت چالش‌ها و طرح پاره‌ای راهکارهای نوآورانه، پوهنتون اسلامی ۴۰، سال دوازدهم، شماره ۴.
- شهیدی، نیما؛ رضویه، اصغر؛ امین شایان جهرمی، شاپور؛ سیدی، سید مسعود. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر جهانی شدن آموزش عالی بر کیفیت آموزشی پوهنتون‌ها از دیدگاه استادان پوهنتون‌های شیراز، فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال دوم، شماره اول.
- عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی: راه‌های پیوند آموزش عالی با نیازهای بازار کار، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دهم، شماره ۲۰.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر فرایند ارزیابی درونی بر برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت گروه‌های آموزشی پوهنتونی: تحلیل مقایسه‌ای از نظر اجرا یا عدم اجرای ارزیابی درونی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹.
- قورچیان، نادرقلی. (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸، صص ۱۳-۲۰.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۲). مصاحبه با ژیلای بنی یعقوب، روزنامه اس‌نو، ۲۸ اردیبهشت.
- مارتین، میخائیل؛ استیلا، آنتونی. (۱۳۸۸). تضمین کیفیت در مؤسسات آموزشی، ترجمه محمدرضا کرامتی، تهران: رسانه تخصصی، چاپ اول.
- مختاریان، فرانک؛ محمدی، رضا. (۱۳۸۷). ارزش‌یابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی کشور هند، تهران: البرز فردانش.
- وزیری، مزده. (۱۳۷۸). نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها، رساله دکتورا، پوهنتون تربیت مدرس.

- Bahrami, Mohsen. (1995). "Necessity of Approach Renewing in Goals Epistles and Structures of Higher Education"; Rahyaf, No. 11 (in Persian).
- Bazargan, Abbas. (1998). Introduction to Assessing Quality in Higher Education in Iran; Research and Planning in Higher Education.
- CHEA. (2003). Introducing the CHEA Almanac of External Quality Review. Washington DC: Council for Higher Education Accreditation.
- Graft, A. (1995); International Developments in Assuring Quality in Higher Education; London: Flmer.
- Harman, G., & Meek, V. L. (2000). Repositioning Quality Assurance and Accreditation in Australian Higher Education. Canberra: DETYA.
- McGinn, N. F. & A. M. Borden. (1995). Framing Question, Constructing Answers: Linking Research with Educational Policy for Developing Countries; Cambridg, MA: Harvard University Press.
- UNESCO. (2002). Higher Education in the twenty first century. Word conference on Higher Education, UNESCO: Paris.